صفحه‌آرا: مهرداد هاشمیان

حادثه

افزایش قربانیان پالایشگاه شیراز

آمار قربانیان ناشی از نشت گاز در پالایشگاه شیراز به ۳ نفر رسید. این حادثه در یکی از واحدهای تولیدی پالایشگاه شیراز رخ داد و در ابتدا باعث مرگ ۲ نفر و مصدومیت ۹ نفر شد که با فوت یکی از مصدومان، آمار قربانیان به ۳ نفر رسید.

انتظامی

زوج سارق دستگیر شدند

زوجی که به‌عنوان پرستار برای نگهداری از فردی سالمند در مشهد استخدام شده بودند، پس از سرقت میلیاردی از خانه وی دستگیر شدند. این زوج پس از بیهوش کردن صاحبخانه ۱۲ میلیارد تومان پول، طلا و جواهر دزدیده بودند که پیش از فرار از کشور به دام پلیس افتادند.

زن جاعل، سرکرده باند کلاهبرداری از خانواده زندانیان بود

کلاهبرداری سریالی غزل

گزارش
الهه فراهانی
روزنامه‌نگار

زن شیاد که تبحر زیادی در جعل مدارک داشت، با راه‌اندازی باندی مخوف، خانواده زندانیان را شناسایی می‌کرد و به بهانه آزاد کردن زندانی‌ها دست به کلاهبرداری میلیونی می‌زد.

به گزارش همشهری، چند روز قبل زنی میانسال به اداره پلیس رفت و گفت در دام یک کلاهبردار گرفتار شده است.

او توضیح داد: چند وقتی می‌شد که وضع زندگی دخترم خیلی خوب شده بود، اما خبر نداشتم که دامادم تبدیل به سارقی حرفه‌ای شده است؛ حتی دخترم نیز از این موضوع باخبر بود، اما به کسی حرفی نزده بود تا اینکه بعد از دستگیری آنها، بازپرس پرونده، دخترم را به اتهام اخفای ادله جرم بازداشت کرد.

وی ادامه داد: وقتی متوجه بازداشت دخترم شدم، فورا به دادسرای ویژه سرقت رفتم و با گریه از دادیار پرونده خواستم تا دخترم را آزاد کند. بازپرس برای دخترم قرار کفالت صادر کرد، اما هیچ فیش حقوقی برای آزادی او نداشتم.

وی ادامه داد: در دادسرا، مردی را دیدم که گفت حاضر است فیش حقوقی و مدارک مورد نیاز را تهیه کند تا دخترم آزاد شود، ولی در ازای این کار ۳۰ میلیون تومان می‌گیرد. من این پول را پرداخت کردم و مدارکی را که آن مرد داده بود به دادسرا بردم که دخترم آزاد شود، اما معلوم شد که همه مدارک جعلی است.

کلاهبرداری‌های سریالی

با این شکایت، تحقیقات برای دستگیری مرد کلاهبردار شروع شد، اما این تنها شکایت علیه او نبود. بررسی‌ها نشان می‌داد که چند شکایت مشابه دیگر هم در این زمینه ثبت شده و اعضای یک باند سازمان‌یافته به بهانه آزاد کردن زندانی از خانواده زندانیان کلاهبرداری می‌کنند. کارآگاهان با پیگیری سرنخ‌های موجود پسر جوانی را که خانواده زندانیان را فریب می‌داد، دستگیر کردند و به این ترتیب اسرار باندی مخوف فاش شد.

متهم دستگیرشده گفت که پشت پرده این ماجراها، زنی به نام غزل است. او ادامه داد: غزل از من خواسته بود تا به دادسراهای مختلف بروم و خانواده زندانیانی را که به‌دنبال کفیل و ضامن بودند، شناسایی کنم. ما از آنها پول می‌گرفتیم و در ازای آن مدارکی را که غزل جعل می‌کرد، می‌دادیم و مدعی می‌شدیم که با این مدارک می‌توانند زندانی خود را آزاد کنند. با اعترافات این مرد، مخفیگاه غزل در شرق تهران شناسایی و معلوم شد که او مجرمی سابقه‌دار در زمینه جعل و کلاهبرداری است. این زن آخرین بار سال گذشته از زندان آزاد شده بود. به این ترتیب غزل بازداشت شد و تحقیقات برای شناسایی اعضای دیگر این باند و شاکیان احتمالی ادامه دارد.

گفت و گو

فیش‌های ۳۰ میلیونی

زن جوان خودش را مغز متفکر باند می‌داند و می‌گوید ضریب هوشی بالایی دارد، اما از بد روزگار در مسیر نادرستی قرار گرفته است. گفت‌وگو با او را می‌خوانید.

ابتدا خودت را معرفی کن.

همه مرا غزل صدا می‌زنند و ۴۵ سال دارم.

پرونده‌ات نشان می‌دهد که سابقه داری.

ناخواسته وارد دنیای مجرمان شدم، اما الان که نگاهی به گذشته می‌اندازم، می‌بینم که انگار زندگی‌ام شبیه باتلاق بوده است. هرچه بیشتر دست و پا زده‌ام، بیشتر در باتلاق فرورفته‌ام. اگر بخواهم صادقانه صحبت کنم باید بگویم که از نوجوانی و درست زمانی که ۱۳، ۱۴ ساله بودم پایم به دنیای مجرمان کشیده شد.

چه شد که از نوجوانی، تبهکاری را شروع کردی؟

خانواده خوب و درست و حسابی نداشتم. پدر و مادرم از یکدیگر جدا شده و بعد از طلاق، هردوی آنها ازدواج کرده‌بودند. من یک هفته پیش مادرم بودم و یک هفته پیش پدرم. از آنها هیچ محبتی دریافت نکردم. شاید اگر خانواده خوبی داشتم، الان برای خودم کسی شده بودم؛ حتی شاید استخدام ناسا می‌شدم! باور می‌کنید؟ چون من نابغه‌ام و ضریب هوشی بالایی دارم. این جمله را همیشه همه معلم‌هایم به من می‌گفتند، اما در دوران مدرسه به‌دلیل عدم‌رعایت قانون مدرسه، اخراج شدم. بعد از آن بود که تصمیم گرفتم وارد دنیای تبهکاران شوم؛ چون در آن زمان با پسری آشنا شدم که او هم سابقه‌دار بود. از همان زمان با هم شروع کردیم به کلاهبرداری از مردم که در نهایت هر دو دستگیر شدیم.

با چه شگردی کلاهبرداری می‌کردی؟

از گرفتن پول به بهانه ویزای اروپا گرفته تا تهیه سند برای آزاد کردن زندانیان، اما چون هوشم خوب بود، کم کم جعل را هم یاد گرفتم؛ البته نزد یک جاعل حرفه‌ای آموزش دیدم. او چند سال قبل به‌دلیل کهولت سن فوت شد، اما رکورد سابقه جعل و رفتن به زندان را در میان تبهکاران زده بود.

پس سابقه جعل هم داشتی؟

تا دلتان بخواهد. از جعل مدرک لیسانس و دکتری گرفته تا پاسپورت، شناسنامه و سندخانه. سند را در اختیار خانواده زندانیان قرار می‌دادم و دستمزد خوبی برای انجام این کارها می‌گرفتم.

غزل! تا به حال ازدواج کرده‌ای؟

بله اما همسرم سال‌ها قبل اعدام شد. او هم مانند من کلاهبردار و مجرم بود، اما تصمیم گرفت راهش را از من جدا کند و افتاد در کار قاچاق موادمخدر. هرچه به او گفتم که این کار ریسکش بالاست و خطر دارد، گوش نکرد. خدا بیامرز خیلی لجباز بود و کاری که می‌خواست را انجام می‌داد. در نهایت لو رفت و چون سرکرده باند بود، اعدام شد.

از شگرد تازه‌ات برای جعل و کلاهبرداری بگو.

ابتدا در سایت‌های مختلف و فضای مجازی آگهی می‌دادم با این مضمون که می‌توانم فیش حقوقی تهیه کنم برای نرفتن به زندان. درواقع کفیل می‌شدم و برای افرادی که قاضی می‌خواست بازداشت‌شان کند، فیش حقوقی تهیه می‌کردم؛ البته فیش حقوقی جعلی. در گام بعدی مردی را که سابقه‌ای نداشت استخدام کردم تا نقش کفیل را بازی کند. او با فیش حقوقی جعلی که من درست کرده بودم، می‌رفت دادسرا و ضامن می‌شد تا طعمه موردنظر به بازداشتگاه نرود.

چقدر بابت این کار پول می‌گرفتی؟

هر فیش حقوقی ۳۰ میلیون تومان.

پس پول خوبی به جیب زدی؟

تازه کارمان را شروع کرده بودیم که از بخت بدم، لو رفتیم و دستگیر شدیم. باز باید به زندان برگردم، راستش را بخواهید دیگر از زندان رفتن خسته شده‌ام؛ هرچند همه دیگر مرا می‌شناسند و برای من احترام قائل هستند، اما من آزادی را بیشتر دوست دارم تا اسارت را. حیف این همه هوشی که دارم و شرایط سخت زندگی اجازه نداد در مسیر درست خرجش کنم.

قتل دردناک السانا به خاطر گوشواره طلا

جنایی

وقتی دختربچه ۶ساله در راه بازگشت از سوپرمارکت گم شد، همه برای پیداکردن او بسیج شدند تا اینکه نیمه‌های شب جسد بی‌جان او پیدا شد.

به گزارش همشهری، ۸خرداد امسال، مأموران پلیس باقرآباد ورامین، در جریان مفقودشدن دختربچه ۶ساله‌ای به نام السانا در روستای صالح‌آباد قرار گرفتند. تحقیقات برای پیداشدن السانا آغازشد و تا پاسی از شب ادامه داشت تا اینکه در ساعت ۲بامداد، یکی از اهالی پیکر بی‌جان کودک گمشده را در یکی از کوچه‌های روستا پیدا کرد.

محدثه حاتمی، خاله السانا در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: قبل از ظهر پنجشنبه، السانا برای خرید تخم‌مرغ به سوپر مارکت نزدیک خانه رفته بود که ناپدید شد. کمی بعد از رفتن او مادرش که دید خبری از وی نشد، به‌دنبالش رفت. سوپرمارکت نزدیک بود و او باید خیلی زود باز می‌گشت اما خبری از او نبود.

او می‌افزاید: مادرش به سرعت به سوپرمارکت رفت و از صاحب آنجا سراغ السانا را گرفت. مرد فروشنده گفت که السانا خرید کرده و رفته است. در این لحظه بود که دلهره شدیدی به جان مادرش افتاد. او هرچه می‌گشت، اثری از دخترش نبود. حتی بارها از مردم و عابرانی که آنجا بودند، سراغ دخترش را گرفت اما خبری از السانا نبود. مادر سراسیمه به خانه رفت و به همسرش گفت که السانا گم شده است.

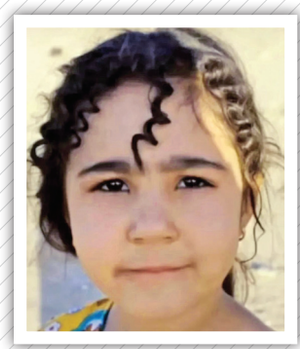

حاتمی می‌افزاید: مادر و پدر السانا تمام کوچه‌های اطراف را گشتند اما خبری از دخترشان نبود. پدرش تصمیم گرفت به کلانتری باقرآباد برود و گم‌شدن دخترش را به آنها گزارش بدهد و از همان زمان بود که تلاش پلیس برای پیداکردن خواهرزاده‌ام آغاز شد.

خاله السانا با غصه ادامه می‌دهد: کم کم ماجرای گم‌شدن السانا در همه روستا پیچید و اهالی روستا نیز برای کمک به پدر و مادر السانا آمدند. همه، کوچه پسکوچه‌های روستا و حتی محله‌ها و شهرهای اطراف مثل زیباشهر، قرچک و بیابان‌های اطراف را نیز گشتند اما هیچ اثری از السانا نبود.

خبر هولناک

هوا در حال تاریک‌شدن بود و هنوز ردی از دختربچه گمشده به‌دست نیامده بود. همین مسئله نگرانی خانواده او و تیم‌های جست‌وجو را بیشتر می‌کرد. خاله السانا می‌گوید: وقتی هوا تاریک شد، ترس همه وجودمان را فرا گرفت. اگر السانا پیدا نشود چه؟ با وجود این جست‌وجو در شب هم متوقف نشد و همه به‌دنبال او می‌گشتیم و این جست‌وجو تا ساعت ۲بامداد ادامه داشت. تا اینکه شنیدیم السانا پیدا شده است. همه خوشحال شدیم اما کمی بعد مصیبت روی سرمان آوار شد. یکی از اهالی روستا پیکر بی‌جان خواهرزاده‌ام را در یکی از کوچه‌های روستا پیدا کرده بود. جسد او در حالی پیدا شد که گوشواره‌هایش در گوشش نبود. در تحقیقات پلیس معلوم شد که سارقان السانا را ربوده و به قتل رسانده و بعد گوشواره‌هایش را دزیده و جسد او را در نزدیکی خانه‌اش رها کرده‌اند. حاتمی می‌افزاید: همان شب جسد خواهرزاده‌ام در میان گریه و ناله پدر و مادرش به پزشکی قانونی منتقل شد. بعد از آن شب کارآگاهان پلیس تحقیقات خود را برای پیداکردن قاتل یا قاتلان السانا آغاز کردند.

۶مظنون

بررسی‌های پلیس از این حکایت داشت که دختربچه ۶ساله خفه شده است. ماموران در ادامه به تحقیق از پسر نوجوانی پرداختند که می‌گفت روز حادثه السانا را در حال حرف زدن با زنی دیده و آن زن دختربچه را با خودش برده بود. طولی نکشید که محل زندگی این زن شناسایی شد. او معتاد بود و وقتی ماموران به خانه‌اش رفتند، وی را به همراه شوهرش و فردی دیگر دستگیر کردند. زن معتاد در تحقیقات اولیه اعتراف کرد که السانا را فریب داده و به قتل رسانده تا گوشواره‌هایش را سرقت کند اما وقتی به دادسرا منتقل شد همه اعترافاتش را پس گرفت و مدعی شد که بی‌گناه است. از سوی دیگر جسد السانا مقابل خانه‌ای رها شده بود که داخل آن خانه ۳ فرد معتاد حضور داشتند که آنها نیز دستگیر شدند. در حال حاضر ۶مظنون در این پرونده بازداشت شده‌اند و تحقیقات گسترده پلیس برای کشف اسرار جنایت ادامه دارد.

مشروب تقلبی، جان گرفت

به‌دنبال مرگ زن جوان بر اثر استفاده از مشروبات تقلبی، فروشنده و سازنده مشروبات تقلبی بازداشت شدند.

به گزارش همشهری، چند روز قبل زن و شوهری که با زوجی دیگر از تهران راهی شمال کشور شده بودند، به دلیل استفاده از مشروبات الکلی تقلبی مسموم شدند و یکی از آنها که زنی جوان بود، به کام مرگ رفت. به‌دنبال مرگ زن جوان، همسر وی راهی دادسرای جنایی تهران شد و از فروشنده مشروبات الکلی شکایت کرد. او گفت: پیش از آنکه راهی سفر شویم از پسری جوان به نام بهزاد، یک شیشه مشروب خریدم. او مدعی شد که مشروبی که می‌فروشد خارجی و اصل است. من هم به او اعتماد کردم و به همراه همسرم و دوستانمان راهی شمال شدیم اما اعتماد بی‌جای من به فروشنده مشروب، باعث مرگ همسرم شد.

با این شکایت، بهزاد، فروشنده مشروبات الکلی بازداشت شد. او گفت: من خبری از تقلبی بودن مشروب‌ها نداشتم. چند وقتی می‌شود که مشروبات را از مردی به نام حسن می‌خرم.

در ادامه، مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران به سراغ حسن رفتند و او را دستگیر کردند. هرچند حسن اصرار بر بی‌گناهی داشت اما مأموران در بازرسی از کارگاه کوچک او در کرج، تعداد زیادی شیشه‌های مشروب کشف کردند. علاوه بر این، چند شیشه خالی نیز به همراه مواداولیه ساخت مشروب و لیبل‌هایی که روی شیشه‌ها چسبانده می‌شد تا به اسم خارجی در بازار به فروش برسد، کشف شد.

حسن در بازجویی‌های اولیه اعتراف کرد که هنگام تولید مشروبات دچار حواس پرتی شده و از متانول به جای اتانول استفاده کرده است. او اما در ادامه اعتراف کرد که برای به‌دست آوردن سود بیشتر، از مقدار کمی متانول استفاده کرده و تصور نمی‌کرده که حادثه‌ساز شود.

تحقیقات در این پرونده زیرنظر بازپرس دادسرای جنایی تهران ادامه دارد.

بسته خبری خارجی

دستگیری پزشکان روس به اتهام قاچاق نوزادان

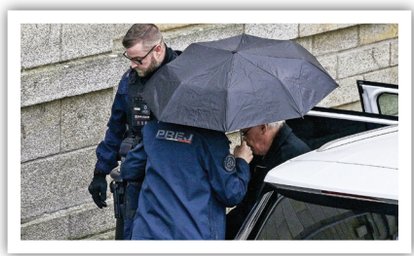

۸ پزشک و مقام ارشد کلینیکی در روسیه به اتهام قاچاق ۱۳ نوزاد به خارج از کشور دستگیر شدند.

به گزارش همشهری به نقل از میرر، هفته پیش پلیس روسیه ۸پزشک و یک مقام ارشد کلینیکی را در منطقه پریمورسکی دستگیر کرد. پزشکان ۶زن و ۲مرد هستند که اتهامشان قاچاق نوزادان اعلام شده است.

تحقیقات پلیس نشان می‌دهد که این پزشکان روسی از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰، با فروش نوزادان به افرادی در خارج از کشور ۵۱۰هزار پوند به جیب زده‌اند.

بررسی‌ها مشخص کرد که ۳پزشک ارشد، سردسته این باند قاچاق بودند که نوزادان را تحت پوشش درمان می‌فروختند. براساس این گزارش، در این سال‌ها ۱۳نوزاد به خارج از کشور قاچاق شده که به‌گفته دادستان‌های روسیه، تعداد واقعی آنها بیشتر است. به‌گفته پلیس، متهمان با استفاده از فناوری‌های کمک باروری، افرادی را که برای بچه‌دار شدن اقدام کرده بودند، فریب داده و اقداماتی را برای پرورش جنین انجام می‌دادند، اما در نهایت مدعی می‌شدند که نوزاد به دنیا آمده، تلف شده و در ادامه نوزاد را به خارج از کشور انتقال می‌دادند و به مشتریانی که از قبل شناسایی کرده بودند، می‌فروختند. هنوز مشخص نیست که آیا روسیه به‌دنبال بازگرداندن کودکان فروخته شده غیرقانونی که اکنون بین ۵ تا ۷ سال سن دارند، خواهد بود یا خیر.

به‌گفته دادستان‌ها، این هشت نفر به اتهام قاچاق کودک با حداکثر ۱۵ سال زندان روبه‌رو هستند و قرار است این پرونده توسط دادگاه عالی روسیه رسیدگی شود.

مرگ قاتل حبس ابدی در زندان

مردی که به اتهام کشتن دختر ۲ساله‌اش به حبس ابد محکوم شده بود، در زندان درگذشت.

به گزارش‌ای بی‌سی، ۵سال پیش جسد سوخته یک دختر ۲ساله در کنار جاده‌ای در خارج از شهر واشنگتن آمریکا پیدا شد. بررسی‌های پلیس نشان می‌داد که جسد متعلق به دختری به نام کریستین است، اما هنوز مشخص نبود که او توسط چه‌کسی به قتل رسیده است.

در ادامه معلوم شد که پشت پرده این جنایت پدر کریستین به نام شان رایان است. او روز حادثه، دخترش را از مهدکودکش تحویل گرفت، به رستوران مک‌دونالد برد و بعد از آن او را به جایی خلوت در امتداد یکی از جاده‌های بیرون شهر انتقال داد، به قتل رساند و جسدش را به آتش کشید.

پلیس بعد از تکمیل تحقیقاتش، شان را به اتهام قتل دخترش دستگیر کرد. او در بازجویی‌ها به قتل کریستین اعتراف کرد و گفت که بعد از اینکه با کریستین از رستوران بیرون آمدیم، تحت‌تأثیر مشروبات الکلی بودم. او در خودرو شیطنت می‌کرد و من حوصله نداشتم. ناگهان با عصبانیت خودرو را متوقف کردم، گالن بنزین را برداشتم، دخترم را پیاده کردم و... او افزود: هرگز خود را نمی‌بخشم و نمی‌دانم که چرا دخترم را کشته‌ام. بدین‌ترتیب او از سوی قضات، به حبس ابد محکوم شد و از آن سال تاکنون در زندان زندگی می‌کرد تا اینکه روز چهارشنبه گذشته، در ۵۰سالگی در زندان درگذشت. علت مرگ او هنوز اعلام نشده است.

رویداد

خودکشی پس از جنایت هولناک

مردی که به‌دلیل اختلافات مالی ۲نفر را با شلیک گلوله به قتل رسانده و مرد دیگری را مجروح کرده بود، در بازگشت به محل جرم دست به خودکشی زد.

به گزارش همشهری، این جنایت صبح روز شنبه در روستای هادی‌شهر جلفا واقع در استان آذربایجان شرقی اتفاق افتاد. عامل جنایت از مدتی قبل با ۲نفر دچار اختلاف مالی شده بود. او درحالی که مسلح بود، سراغ آنها رفت و شروع به تیراندازی کرد. مرد مسلح هر دو نفر را هدف گلوله قرار داد و به قتل رساند و تلاش کرد تا فرار کند. او در راه فرار به‌سوی راننده یک خودرو نیز تیراندازی و او را مجروح کرد.

به‌دنبال وقوع این جنایت تلاش‌ها برای دستگیری قاتل فراری آغاز شد. هیچ‌کس از مخفیگاه او اطلاعی نداشت و مأموران پلیس به‌دنبال یافتن سرنخ‌هایی از او بودند.

چند ساعت از جنایت گذشته بود تا اینکه مأموران به اطلاعاتی دست پیدا کردند که نشان می‌داد قاتل بعد از جنایت به تبریز گریخته اما در ادامه به یکی از باغ‌های هادی‌شهر بازگشته است. در این شرایط مأموران راهی این باغ شدند اما معلوم شد قاتل در آنجا دست به‌خودکشی زده و به زندگی‌اش پایان داده است.

داخلی

مادر، قاتل پسرش را بخشید

مادر پسر جوانی که چند سال قبل در جریان درگیری به قتل رسیده بود، درحالی که قاتل برای اجرای حکم قصاص پای چوبه دار منتقل شده بود او را بخشید. به گزارش همشهری، اواسط سال ۹۹ به بازپرس جنایی اردبیل خبر رسید که در جریان درگیری دسته‌جمعی بین چند جوان، یکی از آنها با ضربات چاقو به قتل رسیده است. زمانی که تیم بررسی صحنه جرم به محل حادثه رسیدند، دقایقی از این نزاع می‌گذشت و عاملان درگیری متواری شده بودند. با وجود این در همان بررسی‌های مقدماتی متهمان شناسایی شدند. شواهد به‌دست آمده حاکی از این بود که ۲گروه از پسران جوان از مدتی قبل با یکدیگر دچار اختلاف شده بودند و ساعتی قبل با یکدیگر رو در رو و درگیر شده‌اند و در این بین، یکی از آنها به قتل رسیده است. در این شرایط پیکر مقتول به پزشکی قانونی منتقل و چند روز بعد متهم به قتل، دستگیر شد. او وقتی تحت بازجویی قرار گرفت به قتل اعتراف کرد اما مدعی شد که ناخواسته مرتکب قتل شده است. او گفت: وقتی درگیری بالا گرفت متوجه نشدم که چطور چاقو به مقتول اصابت کرد. من نیتی برای قتل نداشتم و این حادثه ناخواسته اتفاق افتاد. متهم به قتل در ادامه در دادگاه کیفری یک استان اردبیل محاکمه و با درخواست اولیای‌دم به قصاص محکوم شد. هرچند او به این رأی اعتراض کرد اما در نهایت حکم در دیوان‌عالی کشور تأیید و آماده اجرا شد. سرانجام صبح یکشنبه بعد از انجام تشریفات قضایی، متهم برای اجرای حکم، پای چوبه‌دار منتقل شد. پیش از این با وجود همه تلاش‌هایی که برای ایجاد صلح و سازش در این پرونده انجام شده بود، اولیای‌دم اعلام کرده بودند که حاضر به گذشت نیستند. با این حال مسئولان اجرای احکام تلاش کردند برای آخرین مرتبه با اولیای دم گفت‌وگو و آنها را به بخشش راضی کنند. در آخرین جلسه که با حضور دادستان اردبیل و صلح‌یاران و جمعی از کارکنان زندان مرکزی اردبیل انجام شد، مادر مقتول اعلام کرد به حرمت حضرت زهرا(س) و امیرالمؤمنین علی(ع) از خون فرزندش می‌گذرد و قاتل را می‌بخشد. به این ترتیب قاتل که در یک قدمی چوبه دار قرار داشت از مجازات نجات پیدا کرد و قرار است به‌زودی به لحاظ جنبه عمومی جرم محاکمه شود.

عملیات ویژه برای نجات کارگر

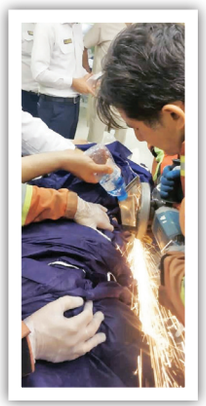

سقوط کارگر آرماتوربند ساختمان باعث فرورفتن میلگرد در کمرش شد، اما آتش‌نشانان با حضور بموقع او را از مرگ نجات دادند. به گزارش همشهری، این حادثه ساعت ۸:۵۰ صبح دیروز (یکشنبه) در ساختمانی در حال ساخت در حوالی جاده مخصوص کرج اتفاق افتاد. کارگران در حال کار در این پروژه ساختمانی بودند که ناگهان یکی از آنها از ارتفاع حدود ۶متری به طبقه همکف سقوط کرد. این حادثه در شرایطی اتفاق افتاد که طبقه همکف پر از میلگرد و ابزار ساختمانی بود و این کارگر درست روی یکی از میلگردها سقوط کرد، طوری که میلگرد از کمرش وارد بدنش شد. سایر کارگران با اورژانس و آتش‌نشانی تماس گرفتند و درخواست کمک کردند. کارگر حادثه‌دیده اوضاع وخیمی داشت و کوچک‌ترین اشتباهی ممکن بود به قیمت جانش تمام شود. در این وضعیت ابتدا آتش‌نشانان در شرایطی ویژه و با نظارت امدادگران اورژانس میلگرد را برش دادند و در ادامه مصدوم را به بیمارستان منتقل کردند. به گفته سیدجلال ملکی، سخنگوی آتش‌نشانی تهران، کارگر حادثه دیده، جوانی ۲۵ساله و تبعه خارجی بود که پس از برش دادن میلگرد توسط آتش‌نشانان برای ادامه درمان و خارج کردن کامل میلگرد از بدنش به بیمارستان منتقل شد.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

داده‌ورزی فرادیس البرز
Faradis Alborz Informatics Corp.

شرکت داده ورزی فرادیس البرز (سهامی خاص) در نظر دارد با انجام مناقصه عمومی تک مرحله ای میان شرکت‌های دارای مجوز ساتبا (سازمان انرژی‌های تجدید پذیر و بهره وری انرژی برق) جهت خریداری حداکثر ۱ مگاوات پنل خورشیدی بانام تجاری Solar Panel, 1MB, Mono Crystal Bifacial (مطابق با مشخصات فنی مندرج در اسناد مناقصه) اقدام نماید؛ لذا متقاضیان واجد شرایط می‌توانند با هر میزان توان، ظرفیت و آمادگی تأمین درخواست خریدار، جهت دریافت اسناد مناقصه (مشخصات فنی و شرایط خرید) از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۲ لغایت روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۱۸ در ساعات اداری به نشانی تهران – خیابان ولیعصر – بالاتر از میدان ونک – خیابان شهید خلیل زاده – پلاک ۲۷ – دبیرخانه شرکت داده ورزی فرادیس البرز مراجعه و در مهلت تعیین شده مندرج در اسناد مناقصه نسبت به تحویل پیشنهاد خود اقدام نمایند. شرکت داده ورزی فرادیس البرز در رد یا قبول پیشنهادات واصله مختار بوده و هزینه ثبت و انتشار آگهی بعهده برنده مناقصه خواهد بود.

شماره تلفن‌های تماس ۸۵۹۱۲۸۲۲ – ۸۵۹۱۲۵۵۰

شرکت داده ورزی فرادیس البرز